



نقش مصلحت (لطف و اعتبار) در توجیه آلام ابتدایی  
در رهیافت کلامی

حمیدرضا سروریان<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۱۰/۲۳

تاریخ تأیید: ۱۳۹۲/۱۲/۱۷

چکیده

مفهوم «مصلحت» و عناوین نزدیک آن (لطف و اعتبار) در توجیه آلام ابتدایی، نقش محوری دارد. در واکاوی مفهوم مصلحت در رهیافت کلامی، مفهوم کلی آن در نظر گرفته شده و در آیات و روایات، بیشتر به مصادیق مصلحت مانند: اجر، آزمایش الهی، کمال انسان، افزایش اجر و... اشاره شده است. متکلمان اسلامی درباره نقش مصلحت در نیکویی آلام ابتدایی، چهار قول بیان کردند؛ بنابر نظر اول، فعل الهی عین مصلحت است و نه می توان با معیار بشری فعل الهی را سنجید و نه امری را بر خدا الزام کرد. در نظر دوم، مصلحت در نیکویی آلام ابتدایی، نقشی ندارد. و جبران بیرونی خداوند برای نیکویی آن کافی است. در نظر سوم، مصلحت شرط کافی برای نیکویی آلام ابتدایی است و به جبران بیرونی نیاز نیست. در نظر چهارم با وجود ضرورت مصلحت برای نیکویی آن، جبران بیرونی نیز ضروری می نماید. نتیجه چالش اقوال مزبور، نظریه پنجم است که براساس آن، همراهی دائمی مصلحت با تمام آلام ابتدایی، لازم است اگر چه در برخی از آلام ابتدایی، کافی نیست.

واژگان کلیدی

آلام ابتدایی، مصلحت، لطف، عبرت گرفتن، جبران بیرونی (عوض).

## بیان مسئله

سختی‌هایی را که متألم در آن نقشی ندارد و ناخواسته بر او تحمیل شده است، در اصطلاح کلامی به «آلام ابتدایی» و سختی‌هایی را که متألم خود در آن نقش دارد، به «آلام غیرابتدایی» تعبیر می‌گردد. از نظر عموم متکلمان اسلامی، آلام منسوب به خدا - اعم از ابتدایی و غیرابتدایی - نیکوست. دلیل نیکویی آلام غیرابتدایی در راستای واکنش مصلحت‌آمیز و قانون‌مند نظام توحیدی در ارتباط با رفتار شخص متألم است که باید در جای خود بررسی گردد و کمتر مورد چالش است. آنچه در این نوشتار به آن پرداخته می‌شود، علت نیکویی آلام ابتدایی است که گاه از آن به «رنج‌های بی‌دلیل» تعبیر می‌گردد و دامنه فراگیری آن بسیار گسترده و پرسش‌های پیرامون آن فراوان است، به گونه‌ای که گاه این آلام، دست‌آویز ملحدان برای انکار صفات جمال خداوند و یا حتی انکار او شده است، و این امر بر اهمیت و کاربرد این بحث کلامی دلالت دارد. متکلمان اسلامی در پاسخ به علت و فلسفه آلام ابتدایی، از عناوین «مصلحت» (لطف و عبرت‌گرفتن) و «عوض» استفاده کرده‌اند. محور پژوهش در این نوشتار، نقش مصلحت (لطف و اعتبار) در نیکویی آلام ابتدایی است و از نقش عوض تنها به میزان تأثیرش در نیکویی الم ابتدایی در ارتباط با مصلحت سخن به میان می‌آید. در تحقیق حاضر ابتدا در مقدمه بحث، در پی پاسخ به این پرسش هستیم که: اولاً، مراد از مصلحت (لطف و عبرت‌گرفتن) در رهیافت کلامی چه امری است؟ و ثانیاً، میزان هماهنگی گفتار متکلمان اسلامی درباره معنای مصلحت با آیات و روایات چگونه است؟ آن‌گاه به بررسی نقش مصلحت در نیکویی آلام ابتدایی می‌پردازیم. در این نوشتار، ضمن بررسی اقوال متکلمان اسلامی درباره نقش مصلحت در آلام ابتدایی، نظری نو ارائه خواهد شد.

### مبادی تصدیقیه بحث (پیش‌فرض‌های پذیرفته‌شده)

نظریه نیکو بودن آلام ابتدایی بر اساس مبادی تصدیقیه خاص و نیز پذیرش گزاره‌های خاص شکل گرفته است که قبول آن گزاره در پذیرش نظریه، نقش اساسی دارد و قبول نکردن آن به هر دلیل، موجب فروپاشی نظریه خواهد شد. براین اساس، به مهم‌ترین مبادی تصدیقیه مورد پذیرش در این راستا اشاره می‌شود.

#### ۱. بدیهی بودن وجود آلام

متکلمان معتزله، امامیه و اشاعره به وجود رنج و الم در این جهان، اعم از ابتدایی و غیرابتدایی، اذعان دارند و بر این مطلب ادعای بداهت کرده‌اند؛ برای نمونه قاضی عبدالجبار،

وجود درد را امری بدیهی و وجدانی دانسته و دلیل آن را ادراک درد می‌داند. از نظر او آنچه در اثبات آلم لازم است، امکان اثبات مدرک بودن الماست که در آن صورت برای اثبات وجود الم به دلیل نیاز نیست، زیرا بالاترین استدلال بر وجود چیزی، برگرداندن آن به امر درک شده است. او ادراک شیء را برترین دلیل بر وجود آن شیء می‌داند (اسدآبادی، ۱۳۸۲ق، ۱۳: ۲۲۹-۲۳۰). قاضی عبدالجبار یافتن درد در نفس را، از یافتن گرمی و سردی اجسام برتر دانسته و همین یافتن را دلیل بر اثبات معنای مدرک که همان درد باشد، می‌داند (اسدآبادی، ۱۳۸۲ق، ۱۳: ۲۲۹-۲۳۰). شیخ طوسی نیز وجود آلم و اثبات آن را بی‌نیاز از بحث می‌داند و انکار آن را زورگویی می‌داند، زیرا وجود درد و رنجی که موجود زنده با آن رنجور می‌شود و آن را درک می‌کند، آشکار است، با آن که طبع موجود زنده از رنج بیزار است (طوسی، ۱۴۰۶ق: ۱۴۱).

### ۲. بدیهی بودن وجود آلام ابتدایی

متکلمان عدلیه، وجود آلام ابتدایی را مانند اصل وجود آلام، بدیهی گرفته‌اند؛ بر همین اساس، صاحب کتاب یاقوت، قول بکره را - که تمام آلام را استحقاقی می‌دانند و منکر آلم ابتدایی هستند و وجود آن را در کودکان و حیوانات، انکار کرده‌اند - پاره‌گویی می‌داند و دلیل آن را علمبه دردهایمان در دوران کودکی و دردهای حیوانات می‌داند (ابواسحاق، ۱۴۱۳ق: ۴۸). او قول اصحاب تناسخ را که بر طبق آن تمام آلام، نتیجه عمل شخص رنجور است و الم تنها در صورتی نیکوست که شخص، سزاوار آن باشد و بر این اساس الم ابتدایی وجود ندارد، قبول ندارد. او در ابطال قول اصحاب تناسخ می‌گوید: «گفتار آن‌ها باطل است، زیرا اگر تمام رنج‌ها نتیجه اعمال گذشته است، باید انسان آن‌ها را به یاد آورد، و چون رنج در میان معصومان علیهم‌السلام وجود داشته است. از سوی دیگر، بنابر فرض اصحاب تناسخ، چون رنج، عذاب است، واجب است همراه با خواری باشد و فرار از آن و آه و ناله در برابر آن، واجب باشد، در صورتی که خلاف آن ثابت است» (ابواسحاق، ۱۴۱۳ق: ۴۸). این که عموم متکلمان عدلیه درباره دلیل نیکویی آلام ابتدایی سخن به میان آورده‌اند، خود گویاترین دلیل بر پذیرش وجود آلام ابتدایی است.

با توجه به بدیهی بودن وجود الم و الم ابتدایی، این پرسش مطرح می‌گردد که: علت الم ابتدایی با وجود عدالت و رحمت خداوند، چیست؟

### ۳. نیکو بودن آلام ابتدایی

برخلاف ثنویون که معتقدند دردها و غم‌ها ذاتاً بد هستند و هر گاه وجود یابند، زشتی و قباحت را به همراه دارند، و برخلاف نظر اصحاب تناسخ و بکره که زشتی آلام به متعلق آن

وابسته است، به گونه‌ای که اگر متعلق آلم به سبب گناه کوتاهی در انجام واجبات، سزاوار الم شود، الم نیکوست و در غیر این صورت الم نیکو نخواهد بود، از نظر عموم متکلمان اسلامی، تمام آلام ابتدایی و غیرابتدایی منسوب به خداوند، نیکوست و در این باره میان اشاعره و عدلیه اختلافی نیست؛ آنچه موجب اختلاف است، درباره علت نیکویی آلام ابتدایی است. درباره علت نیکویی آلام ابتدایی، متکلمان عدلیه ازدو واژه کلیدی «مصلحت» (لطف و اعتبار) و «عوض» استفاده کرده‌اند که در نوشتار حاضر، به نقش مصلحت و واژگان مشابه آن می‌پردازیم.

#### معنای مصلحت (لطف و اعتبار) در رهیافت کلامی و آیات و روایات

پیش از بررسی علت نیکویی آلام ابتدایی و بررسی و نقد اقوال درباره آن، ضروری می‌نماید دقیقاً مراد متکلمان از مفهوم مصلحت و مفاهیم نزدیک آن در ارتباط با آلام ابتدایی روشن شود و میزان تأثیرپذیری آنان از آیات و روایات و وجه شباهت معنای آنان از مفهوم مصلحت در لسان آیات و روایات، تبیین گردد.

#### ۱. معنای مصلحت (لطف و اعتبار) در رهیافت کلامی

بیشتر متکلمان عدلیه، برای نیکویی آلام ابتدایی از مفهوم «اعتبار» استفاده کرده‌اند؛ یعنی الم ابتدایی، موجب عبرت گرفتن مکلف می‌شود و مکلف با عبرت گرفتن و انجام دادن دستورات خداوند به او نزدیک می‌گردد. برای توضیح مفهوم «اعتبار»، به گزارش اقوال متکلمانی مانند: قاضی عبدالجبار، شیخ مفید، سید مرتضی، شیخ طوسی، خواجه نصیرالدین طوسی و علامه حلی می‌پردازیم.

قاضی عبدالجبار (۳۲۵-۴۱۵ق) در بحث آلام ابتدایی، در موارد متعددی از مفهوم عبرت گرفتن استفاده می‌کند (اسدآبادی، بی تا: ۲۲۸؛ اسدآبادی، ۱۴۰۸ق: ۴۸۵؛ اسدآبادی، ۱۳۸۲ق، ۳۹۰: ۱۳-۳۹۱). او ضمن بیان ضرورت همراهی الم ابتدایی با عبرت‌پذیری، هم برای مکلفان و هم برای غیرمکلفان، دامنه آن را در مکلفان از غیرمکلفان گسترده‌تر می‌داند، زیرا الم می‌تواند مایه پندپذیری، هم برای خودشان و هم دیگران گردد (اسدآبادی، ۱۴۰۸ق: ۴۸۵).

از توضیح قاضی عبدالجبار درباره اعتبار، دانسته می‌شود مراد او از اعتبار، همان عبرت گرفتن است؛ بدین معنا که شخص متألم و مکلف در سایه مواردشده، به انجام دادن دستورات خداوند روی می‌آورد. بر اساس همین معناست که او اختصاص عبرت گرفتن به افراد غیرمکلف و عدم تعلق آن به مکلف را بعید می‌داند، در صورتی که عبرت گرفتن برای شخص مکلف در ازای الم واردشده به او، سزاوارتر است (اسدآبادی، ۱۴۰۸ق: ۴۸۵). قاضی عبدالجبار در منبعی

دیگر، به صراحت «اعتبار» را معنا می‌کند: الم موجب می‌شود مکلف با عبرت گرفتن، به انجام دستورات خداوند و ترک نواهی او تشویق گردد (اسدآبادی، ۱۳۸۲ق، ۱۳: ۳۹۰-۳۹۱). او در عبارتی دیگر، آن را بر «لطف» تطبیق داده (اسدآبادی، ۱۳۸۲ق، ۳۹۱: ۱۳) و در منبعی دیگر، معنای لطف را به عبرت گرفتن برمی‌گرداند (اسدآبادی، ۱۴۰۸ق: ۴۹۰). او گاه از این عبرت گرفتن، به «مصلحت» نیز تعبیر می‌کند (اسدآبادی، ۱۳۸۲ق، ۱۳: ۳۹۰).

شیخ مفید (م. ۴۱۳ق) از معنای عام «اصح» استفاده کرده است که بر اساس آن می‌توان نیکویی تمام افعال الهی را تبیین کرد. او مرگ و حیات را از مصادیق قاعده اصلح دانسته و امتحان الهی را نیز از مواردی می‌داند که موجب می‌شود آلام شدیده از سوی خداوند بر بسیاری از آفریده‌هایش وارد شود. او وجود آلام پیش از مرگ بر برخی بندگان را، بر اساس مصلحت متألم و غیرمتألم تبیین می‌کند (مفید، ۱۴۱۴ق: ۹۵). شیخ مفید در عبارتی، «مصلحت دینی» را بر «لطف» عطف کرده است (مفید، ۱۴۱۳ق: ۱۰۹)؛ پس معلوم می‌گردد مراد او از مصلحت، معنای لطف در اصطلاح متکلمان اسلامی است که براساس آن، بنده به خداوند روی می‌آورد.

شیخ مفید از ضرورت «عبرت گرفتن» و «اصلاح» در اصل آفرینش تمام موجودات سخن به میان آورده و آفرینش بدون آن‌ها را بی‌هوده دانسته است (مفید، ۱۴۱۳ق: ۱۰۷). از قانون کلی او و دیگر سخنانش می‌توان نتیجه گرفت، الم ابتدایی نیز باید با عبرت گرفتن و صلاح همراه باشد، زیرا الم ابتدایی از فروع آفرینش است.

سید مرتضی گاه از عنوان عبرت گرفتن (علم‌الهدی، ۱۳۷۸ق: ۳۴) و گاه از عناوین: حکمت، صواب، حق و عدالت استفاده می‌کند (علم‌الهدی، ۱۴۰۵ق، ۲: ۱۹۳). گاه از قاعده لطف به «صلاح» یا «اصح» تعبیر می‌شود، چنان‌که سیدمرتضی بر آن تصریح دارد (علم‌الهدی، ۱۴۱۱ق: ۱۸۶).

محقق حلی، ضمن استفاده از عنوان «لطف محض» (محقق حلی، ۱۴۲۱ق: ۱۰۴-۱۰۵)، آن را با معنای عام منفعت مساوی می‌داند. او لطف محض را بر همان منفعت درونی الم، بدون ضرورت در نظر گرفتن منفعتی بیرونی برای جبران آن، تطبیق داده است (محقق حلی، ۱۴۲۱ق: ۱۰۹-۱۱۰).

شیخ طوسی (۳۸۵-۴۶۰ق) ذیل آیه شریفه: «وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ» (بقره: ۱۵۵)، از تعبیر «لطف» استفاده کرده است و آن را عبارت از لطف در دین می‌داند (طوسی، بی‌تا، ۲: ۳۸).

خواجه نصیرالدین طوسی (۵۹۷-۶۷۲ق)، از واژه «لطف» و «مصلحت» استفاده کرده است (حلی، ۱۴۱۳ق: ۳۳۱).

علامه حلی (۶۴۸-۷۲۶ق) شاگرد خواجه نیز بر ضرورت مصلحت در نیکویی آلام ابتدایی تصریح دارد و آن را نوعی لطف می‌داند؛ زیرا اگر مصلحتی در الم ابتدایی نباشد کار خداوند عبث خواهد بود. البته او جبران بیرونی را نیز برای ستم نبودن فعل الهی ضروری می‌داند (حلی، ۱۹۸۲: ۱۳۷-۱۳۸).

ابوصلاح حلبی نیز از تعبیر «لطف» استفاده کرده است. او علت نیکو بودن آلام وارد شده بر کودکان را، لطف بودن آن برای عقلا می‌داند (حلبی، ۱۴۰۴ق: ۱۳۴).

## ۲. معنای مصلحت در آیات و روایات

عناوین «مصلحت»، «اعتبار» و «لطف» در اصطلاح بیشتر متکلمان اسلامی، با همان عنوان کلی خودشان آمده و به مصادیق آن، کمتر اشاره شده است. بدین معنا که متکلمان اسلامی تنها گفته‌اند که آلام باید با مصلحت (لطف و اعتبار) همراه باشند و در تبیین معنای عناوین یاد شده و مصادیق آن کمتر سخن گفته‌اند در حالی که در آیات و روایات با صراحت به مصادیق عناوین یاد شده مانند: به کمال رسیدن انسان، پاداش دادن به او و... اشاره شده است. به نظر می‌رسد، عنوان «مصلحت» از سایر عناوین مشابه، عام‌تر است؛ به گونه‌ای که عبرت گرفتن و لطف، تحت عنوان کلی مصلحت قرار می‌گیرند و آن دو، مصادیقی از مصلحت هستند. بنابراین، مشخص شدن معنای مصلحت در لسان آیات و روایات، ضروری می‌نماید تا در پرتو آن، میزان تأثیرپذیری متکلمان اسلامی از آیات و روایات و قدر مشترک معنای اصطلاحی مصلحت در آیات و روایات با اصطلاح کلامی، روشن شود.

در آیات و روایات، معنای عام مصلحت بر مصادیق خاص آن تطبیق شده است. مهم‌ترین مصالح گفته شده درباره علت به وجود آمدن آلام ابتدایی<sup>۱</sup> در متون دینی، عبارت است از: آزمایش الهی (بقره: ۱۵۵-۱۵۷، ۱۲۴، ۲۱۴؛ آل عمران: ۱۴۲، ۱۵۴؛ انفال: ۲۸؛ انبیاء: ۳۵؛ محمد: ۳۱؛ قلم: ۱۱؛ نازعات: ۴۱؛ کلینی، ۱۳۶۲، ۱: ۱۵۲؛ صدوق، ۱۳۷۸: ۹۱؛ طوسی، بی تا، ۵: ۱۰۶؛ امام علی علیه السلام، ۱۴۱۴ق، ۴۸۳-۴۸۴؛ درهم کوبیدن شهوات (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ۶۸: ۲۶۴؛ صدوق، ۱۳۷۸ق، ۹۱: ۲)؛

۱. تعبیر «آلام ابتدایی»، تعبیر کلامی است. شاید برای این دسته آلام در لسان آیات و روایات، تعبیر «آلام غیراستحقاقی» مناسب‌تر باشد، زیرا از آیات و روایات به دست می‌آید که آلام وارد شده بر انسان‌ها دو دسته‌اند؛ برخی استحقاقی که نتیجه عملکرد خود انسان است، و برخی غیراستحقاقی که مورد بحث این نوشتار است.

آگاهی از درد و رنج دیگران و انتخاب درست (صدوق، ۱۳۷۸ق، ۲: ۹۱؛ مجلسی، ۱۴۰۴ق، ۹۳: ۳۶۹-۳۷۱)؛ مصالح دنیوی سختی‌ها (بقره: ۲۱۶)؛ سهل‌گیری بر بنده رنجور (دیلمی، ۱۴۱۲ق، ۱: ۴۳؛ مجلسی، ۱۴۰۴ق، ۶۵: ۱۹۹)؛ اعطای ثواب تفضلی (دیلمی، ۱۴۱۲ق، ۱: ۴۳)؛ مصلحت داشتن المبرای دیگری (نوری، ۱۴۰۹ق، ۲: ۶۷)؛ تکامل انسان (امام علی علیه السلام، ۱۴۱۴ق: ۴۱۸)؛ بخشش هنگام نیاز؛ گاه خداوند به شخص عطا نمی‌کند تا در زمان نیاز (آخرت) به او عنایت فرماید (کلینی، ۱۳۶۲، ۲: ۲۶۴)؛ آگاهی از سختی‌های آخرت (صدوق، ۱۳۷۸ق، ۲: ۹۱)؛ افزایش اجر (دیلمی، ۱۴۱۲ق، ۱: ۴۴۲؛ کلینی، ۱۳۶۲، ۲: ۲۶۰؛ حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ۲: ۶۶).

نتیجه آن‌که در آیات و روایات، معنای عام مصلحت با بیان مصادیق آن تبیین شده است، درحالی‌که متکلمان اسلامی بیشتر به عنوان کلی مصلحت در راستای علت نیکویی آلام ابتدایی اشاره کرده‌اند؛ هر چند افرادی مانند شیخ مفید، به مصادیقی از آن نیز اشاره کرده‌اند. بنابراین سخن متکلمان اسلامی، با آیات و روایات هماهنگ است، زیرا عنوان کلی مصلحت می‌تواند بر مصادیق گفته‌شده در آیات و روایات تطبیق شود.

#### مصلحت و نیکویی آلام ابتدایی

پس از مشخص شدن معنای مصلحت، لطف و اعتبار در رهیافت کلامی، به بررسی نقش آن در نیکویی آلام ابتدایی می‌پردازیم. در بررسی این نقش، بنابر استقرای انجام‌شده چهار قول وجود دارد:

##### ۱. فعل الهی بودن آلام ابتدایی، دلیل بر نیکویی آن

در دیدگاه اشاعره، آلام هرگاه از سوی خداوند باشد، نیکوست و تفاوتی نمی‌کند آلم به جهت جزا و یا ابتدایی باشد و نیازی نیست برای نیکو شدن آن، الم مسبوق به استحقاق، یا برای جلب منفعت و یا برای دفع زیان بزرگ‌تر باشد، زیرا خداوند مالک است و هرگونه بخواهد می‌تواند در ملک خود تصرف کند (شهرستانی، بی‌تا: ۴۱۰). در اندیشه آنان، هرگونه الزامی در راستای آلام ابتدایی برای خداوند باطل است (تفتازانی، ۱۴۰۹ق: ۳۲۳-۳۲۸؛ ایچی، ۱۳۲۵ق، ۸: ۱۹۸-۲۰۰).

##### نقد و بررسی: منافات داشتن این قول با حکمت و عدالت خداوند

متکلمان عدلیه، سخنان و دلایل اشاعره را مورد نقد جدی قرار دادند؛ برای نمونه علامه حلی، لازمه سخن اشاعره را آن می‌داند که: «روا باشد خداوند بنده خود را بدون گناه، به انواع رنج‌ها آزار دهد، در حالی‌که خداوند از کارش، نه هدفی داشته است و نه پاداش و عوضی را در برابر الم واردشده، به بنده رسانده است. و روا باشد خداوند، کودکان، پیامبران و اولیای خویش را

بی‌غرض و عوض، آزار دهد. به ضرورت می‌دانیم که اگر انسانی چنین کند، خردمندانش ستمگر و سفیه شمارند، پس چگونه آدمی چنین کاستی‌هایی را به خدایش نسبت دهد و از او نهراسد؟!...» (حلی، ۱۹۸۲: ۱۳۸).

قاضی نورالله در ردّ سخن اشاعره می‌گوید: «آنچه اشاعره، از اصل عدم واجب بودن امری بر خداوند می‌گویند، به علت آن است که آن‌ها معنای وجوب را درست درک نکرده‌اند و تصرف در ملک نیز از سوی هر مالکی که باشد اگر بر وجه حسن باشد، حسن خواهد بود و اگر بر وجه قبیح باشد، قبیح خواهد بود» (مرعشی، ۱۴۰۹ق، ۲: ۱۸۴-۱۸۹).

## ۲. لطف محض بودن آلام ابتدایی و بی‌نیازی از مصلحت بیرونی برای نیکویی آن

بنابراین قول، وجود مصلحت برای نیکویی آلام ابتدایی هم شرط لازم است و هم شرط کافی، و به علت ضرورت مصلحت در آلام ابتدایی تحقق این شرط دائمی است؛ به بیان دیگر، منفعت باید به جهت مصلحت و اعتبار در خود المتحقق یابد و نه به جهت نفعی بیرونی که همان عوض باشد. این قول را قاضی عبدالجبار به «عباد» (م. ۳۰۳ق) از قدمای معتزله، نسبت می‌دهد (اسدآبادی، ۱۳۸۲ق، ۱۳: ۳۹۰).

از متکلمان شیعه، محقق حلی نیز بر این قول است. او ضمن اشاره کردن به اختلاف درباره علت نیکو بودن آلام ابتدایی و بیان سه قول در این باره و استدلال‌ها و نقد آن‌ها، در نهایت به دلیل قولی می‌پردازد که «لطف محض» را در الم ابتدایی کافی می‌داند و نیاز به منفعت زاید در مقابل آن نیست، و خود این قول را می‌پذیرد. محقق حلی درباره دلیل این قول می‌گوید: «کسانی که تنها لطف را در ایجاد الم کافی می‌دانند، استدلال کرده‌اند: در این‌که در مقابل الم، به انسان منفعت برسد یا این‌که خود الم لطف و منفعت باشد فرقی نیست، زیرا تحمل سختی‌های سفر، به جهت افزایش سود در کالاها جایز است، گرچه در مقابل خود سفر منفعتی نباشد. و این امر، در جایی که لطف به خود موکم، یعنی کسی که مستقیماً درد را تحمل می‌کند، آشکارتر است؛ بنابراین کسی که می‌داند فرزندش در راه تحصیل علم باید رنج هجرت و غربت را تحمل کند و جدایی از سرگرمی‌های شهر خود و هجرت موجب یادگیری او می‌شود، الزام او بر این رنج هجرت، نیکوست و در مقابل آن رنج، عوضی واجب و لازم نیست و علت حُسن آن الم فقط لطف در تعلّم است.» محقق حلی پس از استدلال مزبور می‌گوید: «این وجه قوی است و بر آن اعتماد می‌شود» (اسدآبادی، ۱۳۸۲ق، ۱۳: ۱۰۹-۱۱۰).

حنفیه تمام آلام را همراه با حکمت‌هایی، مانند: از بین رفتن خطاها، بالا رفتن درجات و پاک‌نفسی از اخلاق ناهماهنگ با بندگی، از جانب خداوند متعال می‌دانند و جبران بیرونی را بر



خداوند واجب نمی‌دانند. آنان تمام آلام را مشتمل بر حکمت می‌دانند، اگرچه عقول از درک آن ناتوان باشند؛ به همین علت، اعتراض بر فعل الهی را جایز نمی‌دانند (قدسی، ۱۴۲۳ق: ۱۷۸-۱۸۳).

### نقد و بررسی: اخص بودن دلیل نسبت به مدعا

به نظر نگارنده، دلیل محقق حلی اخص از مدعای اوست، زیرا این دلیل در جایی صادق است که متعلق الم و لطف یکی است، اما متکلمان موارد متعددی را ذکر می‌کنند که متعلق الم و لطف یکی نیست؛ مانند رنج‌های وارد شده بر کودکان و دیوانگان که با وجود منفعت داشتن برای دیگران، به علت نبودن قدرت تفکر در سطوح عالی انسانی، مصالحی مانند عبرت گرفتن از آن‌ها بی‌معناست و به همین علت، جبران بیرونی برای آن‌ها ضروری می‌نماید؛ مگر آن‌که مانند حنفیه گفته شود در تمام موارد لطف و مصلحت وجود دارد، اگرچه ما به علت محدودیت علم نتوانیم به آن آگاه شویم؛ اما در صورت عدم پذیرش سخن مزبور، به علت بی‌نقص بودن فعل الهی، مصلحت تنها برای نیکویی آلام ابتدایی کافی نیست.

### ۳. ضرورت نداشتن مصلحت در نیکویی آلام ابتدایی

این قول تنها به ابوعلی منسوب است. سیدمرتضی در این باره می‌گوید: «ابوعلی، وارد کردن الم از سوی خداوند را جایز دانسته است، بدون این که الم وسیله‌ای برای عبرت گرفتن باشد» (علم‌الهدی، ۴۱۱ق: ۲۳۰). و بنابر نقل علامه حلی، از نظر ابوعلی، علت قبیح بودن آلام ابتدایی تنها ستم بودن آن است؛ بنابراین لطف در آن ضرورتی ندارد (حلی، ۴۱۳ق: ۳۳۰). بر این مبنا، جبران بیرونی خداوند، ستم بودن را از بین می‌برد و در آن صورت، الم ابتدایی قبیح نخواهد بود.

### نقد و بررسی: عبث بودن فعل الهی در صورت خالی بودن از مصلحت

تنها جبران خداوند، تبیین‌کننده نیکویی الم ابتدایی نیست، زیرا اگر الم ابتدایی همراه با مصلحت نباشد و غرض از آن فقط عوض باشد، این امر عبث خواهد بود. عوض بدون مصلحت، مانند آن است که شخص تنها به جهت عوض و بدون هدفی دیگر، آزار و یا اجیر شود، و اینکاری عبث است (علم‌الهدی، ۱۳۷۸ق: ۳۴) و روشن است که خداوند کار عبث انجام نمی‌دهد.

### ۴. نیکویی آلام ابتدایی، به شرط مصلحت درونی آلم و جبران بیرونی

این قول، مهم‌ترین قول در میان متکلمان عدلیه است و بیشترشان بر این قولند. در نوشتار حاضر، به گزارش گفتار برخی از آن‌ها می‌پردازیم.

قاضی عبدالجبار معتقد است، آلامی که از سوی خداوند به آفریده‌هایش می‌رسد، از دو صورت خارج نیست؛ یا آفریده مکلف است و یا غیرمکلف. اگر آفریده غیرمکلف است، باید الموارد

شده بر آن با دو امر همراه باشد؛ اول، عوضی که الم را از ستم بودن جدا می‌کند و دوم، موجب پند گرفتن مکلفان گردد تا الم بیهوده نباشد. و اگر الم در حق مکلفان است، دو امر یادشده باید در آنان نیز ملاحظه شود؛ با این تفاوت که گستردگی اعتبار در این فرض بیشتر است، زیرا در این فرض الم می‌تواند تنها برای خود او، یا تنها برای دیگری و یا هم برای خود متألمو هم دیگری پندپذیر باشد (اسدآبادی، ۱۴۰۸ق: ۴۸۵). البته قاضی عبدالجبار بعید می‌داند پندپذیری، تنها مخصوص دیگران بوده و برای خود مکلف، مایه پندگرفتن نباشد، در صورتی که مکلف خود بیشتر به آن اعتبار سزاوار است (اسدآبادی، ۱۴۰۸ق: ۴۸۵).

نکته مهم آن است که از نظر او، اساس رنج‌هایی که از سوی خداوند به آفریده‌هایش می‌رسد، عبرت گرفتن است و عوض در مرتبه بعد قرار دارد. او از این عبرت گرفتن، گاه به «مصلحت» تعبیر می‌کند و آن را در الم ابتدایی، اصل می‌داند (اسدآبادی، ۱۳۸۲ق، ۱۳: ۳۹۰).

قاضی عبدالجبار، دلیل ضرورت اعتبار را به فلسفه آلام برمی‌گرداند که بر چه اساسی فرورستاندن آلام بر خداوند واجب است، و دلیل وجوب آلام را در بازگشت به تکلیف می‌داند؛ یعنی همان‌گونه که تکلیف از سوی خداوند واجب است، هر امری هم که در ارتباط با فراهم کردن شرایط تکلیف و انجام دادن آن، مانند قدرت و تمکین دادن باشد، نیز بر خداوند واجب است (اسدآبادی، ۱۳۸۲ق، ۱۳: ۳۹۰). از نظر او، الم است که می‌تواند این اعتبار را ایجاد کند و مکلف با اعتبارگرفتن، به انجام دستورات خداوند و ترک نواهی او تشویق شود (اسدآبادی، ۱۳۸۲ق، ۱۳: ۳۹۰-۳۹۱).

شیخ مفید، عبرت گرفتن و مصلحت را در الم ابتدایی شرط می‌داند. از نظر او، در صورت مساوی بودن ایجاد الم و لذت در حیوان بر خداوند حکیم و منزّه از نواقص، روا نیست که به جای لذت، الم را در حیوان ایجاد کند، زیرا در این صورت در ایجاد الم، هیچ انگیزه و غرضی مگر عوض دادن به متألم وجود ندارد، در صورتی که خداوند می‌تواند از روی تفضل، بدون ایجاد کردن الم عوض بدهد.

از نظر شیخ مفید، مقتضای جود و مهربانی خداوند آن است که در صورت مساوی بودن مصلحت لذت با الم برای حیوان، مصلحت همراه با لذت باشد، زیرا لذت بر الم شرافت دارد (مفید، ۱۴۱۳ق: ۱۰۹). این استدلال او عام است و درباره انسان نیز صادق است.

شیخ مفید تمام آلام واردشده از سوی خداوند بر بندگانش را، به جهت مصلحت آنان می‌داند و مرگ و حیات را از مصادیق قاعده اصلح برمی‌شمارد. او امتحان الهی را از مواردی می‌داند که موجب می‌شود، آلام سخت از سوی خداوند بر بسیاری از آفریده‌هایش وارد شود. او

فلسفه آلام پیش از مرگ برخی بندگان راه به جهت صلاح آنان و غیر آنان می‌داند که به دنبال آن سختی‌ها، نفع عظیم و عوض خواهد بود. و در نهایت هر چه خداوند متعال با آفریده‌هایش انجام می‌دهد، از برای آنان اصلح و اصوب در تدبیر است (مفید، ۱۴۱۴ق: ۹۵).

شیخ مفید به اندازه‌ای برای اصل عبرت و مصلحت اهمیت قائل است که آن را در اصل آفرینش تمام موجودات مطرح کرده است: «آفرینش موجودی که برای هیچ‌کدام از مکلفان، مایه عبرت و برای سایر آفریده‌ها مایه صلاح نیست، از سوی خداوند عبث است و آن بر خداوند روا نیست (مفید، ۱۴۱۳ق: ۱۰۷). در نظر او این اصل اعتقادی اهل عدل است (مفید، ۱۴۱۳ق: ۱۰۷). از نظر او، هر جا مصلحت الم ابتدایی برای دیگری باشد و هیچ مصلحتی برای شخص رنجیده نداشته باشد، جبران بیرونی بر خداوند واجب است، زیرا خداوند عادل است و صفت عدل اقتضا دارد به جهت مصلحت کسی دیگر رنجیده نشود، مگر آن‌که این درد و رنج جبران شود؛ اگرچه ایجاد این درد و رنج برای مؤمنان فی‌نفسه، به خاطر مصلحتی که دارد، واجب باشد (مفید، ۱۴۱۴ق: ۱۰۹). از این سخن، استفاده می‌شود که شیخ مفید در مواردی، علاوه بر ضرورت داشتن مصلحت درونی الم ابتدایی، جبران بیرونی را نیز شرط می‌داند، اما در سایر موارد، سخنان او درباره این جبران بیرونی متفاوت است، زیرا گاه به صفاتی مانند کریم و جواد بودن خداوند و گاه به عادل بودن او استدلال کرده است (مفید، ۱۴۱۴ق: ۱۰۳-۱۰۴) برای نمونه او با وجود تأکیدش بر تفضلی بودن جبران بیرونی در مسئله آلام ابتدایی، به ضرورت عدالت خداوند در جبران بیرونی، از سوی دیگر اشاره می‌کند (مفید، ۱۴۱۴ق: ۱۰۴-۱۰۵).

بدیهی است که اگر این جبران بیرونی بر اساس جواد و کریم بودن خداوند باشد، تفضلی است و در این صورت، گفتار او تحت عنوان قول دوم، یعنی کافی بودن مصلحت برای نیکویی آلام ابتدایی قرار می‌گیرد و اگر این جبران، بر اساس عادل بودن خداوند باشد، جبران بیرونی علاوه بر مصلحت، شرط نیکویی آلام ابتدایی خواهد بود که همان قول چهارم خواهد بود.

سید مرتضی بر آن است که تمام آلام ابتدایی باید با دو امر همراه باشند؛ ۱. «اعتبار» که از آن، گاه به لطف تعبیر می‌شود و گاه به مصلحت، که با این عبرت گرفتن، الم از عبث بودن خارج می‌شود؛ ۲. «عوض» که با آن الم از ستم بودن خارج می‌شود (علم‌الهدی، ۱۳۷۸ق: ۳۴). استدلال او در این باره، کاملاً شبیه استدلال قاضی عبدالجبار است (علم‌الهدی، ۱۳۷۸ق: ۳۴).

در دیدگاه سید مرتضی، اطلاق شر بر تمام سختی‌های وارد شده از سوی خداوند متعال، مجازی است، زیرا آن سختی‌ها حکمت، صواب، حق و عدل است (علم‌الهدی، ۱۴۰۵ق: ۲: ۱۹۳). تعبیر یادشده، بهترین معنای او از لطف و مصلحت در آلام ابتدایی است.

او بر اساس اصل «ضرورت مصلحت در الم ابتدایی» در پاسخ به این پرسش که: اگر عبرت گرفتن در الم ابتدایی ضرورت دارد، باید در آنچه خداوند متعال به آن فرمان می‌دهد یا جایز می‌شمارد، نیز واجب باشد: می‌گوید: «مصدق این مصلحت و لطف، همیشه شخص مباشری که فعل را انجام می‌دهد نیست، بلکه گاه این لطف برای دیگرانی که غیر از مباشر فعل و متعلق فعل است، می‌باشد و این‌گونه لطف نیز برای خارج کردن الم ابتدایی، از عبث بودن کافی است.» سید مرتضی مصلحت و لطف ذبح مباح را از همین نوع می‌داند (علم‌الهدی، ۱۴۱۱ق: ۲۳۹).

شیخ طوسی، هم غرض و هم عوض را در آلام ابتدایی شرط می‌داند. او عوض را به تنهایی برای نیکویی الم کافی نمی‌داند، زیرا ابتدای به عوض جایز است؛ بنابراین جایز نیست که تنها برای عوض خداوند الم را انجام دهد (طوسی، ۱۴۰۶ق: ۸۷). او در منبعی دیگر می‌گوید: «ابتلا با توصیفات که بیان شد، باید در برابر آن لطف در دین باشد. و آزمایش، تنها برای دادن عوض- چنان که گروهی برآند، درست نیست» (طوسی، بی تا، ۲: ۳۸).

خواجه نصیرالدین طوسی برای نیکویی الم، لطف تنها را کافی نمی‌داند (حلی، ۱۴۱۳ق: ۳۳۱). او علاوه بر لطف، جبران بیرونی را در الم ابتدایی لازم می‌داند (طوسی، ۱۴۰۷ق: ۲۰۶). علامه حلی (۶۴۸-۷۲۶ق) نیز برای نیکویی آلام ابتدایی، شرط درونی لطف بودن الم و مصلحت داشتن آن و شرط بیرونی عوض دادن در برابر الم ابتدایی را شرط می‌داند، زیرا اگر مصلحتی در بین نباشد، کار خداوند بیهوده خواهد بود، و اگر در برابر آن عوضی در کار نباشد، این امر ظلم است و ظلم بر خداوند محال است (حلی، ۱۹۸۲: ۱۳۷-۱۳۸).

#### نقد و بررسی: عدم ضرورت جبران بیرونی در تمام آلام ابتدایی

به نظر نگارنده، سخنان متکلمان عدلیه در ضرورت همراهی دائمی الم ابتدایی با مصلحت، صحیح است، ولی همراهی دائمی او با جبران بیرونی علاوه بر مصلحت، صحیح نیست، زیرا الم ابتدایی یا بر مکلفان وارد شده است و یا غیرمکلفان؛ در صورتی که الم ابتدایی بر مکلفان وارد شود، به جهت این‌که هر مکلفی عاقل و بالغ است، الم برای خود او مصلحت دارد و شخص مکلف باید با واکنش مناسب، به مصلحتی که در پی الم است، برسد و اگر به هر دلیل واکنش مناسب نشان ندهد و خود را از مصلحت الم محروم کند، این امر به مصلحت داشتن الم و به تبع آن، به نیکویی آن خدشه وارد نمی‌کند.

به نظر می‌رسد، آلام ابتدایی علاوه بر امکان همراه بودن با مصالح درونی، مانند به کمال رسیدن انسان و سایر مصالحی که در آیات و روایات به آن اشاره شد، مصلحت ثابتی دارند که عبارت است از این که مکلف متألّم را در معرض ثواب قرار می‌دهند، زیرا مکلفان در برابر المّوارد شده، مکلف به صبرند، گرچه این تکلیف، تکلیف استحبابی باشد که در این صورت می‌توان گفت: هر نوع المّ وارد شده بر شخص مکلف، او را در معرض ثواب قرار می‌دهد و مکلف با صبر خود می‌تواند سزاوار ثواب گردد. و روشن است که صبر، فعلی اختیاری است که مکلف باید با تلاش بسیار، آن را محقق سازد، و ثواب مترتب بر صبر، غیر از مصالح دیگر است که حتی بر فرض وجود نداشتن مصلحتی دیگر، خود این مصلحت برای نیکو شدن المّ ابتدایی کافی است؛ اما در صورت صبر نکردن مکلف بر المّ ابتدایی، او نه استحقاق ثواب دارد و نه جبران دیگری که همان عوض باشد و اگر عوضی به او داده شود تفضلی خواهد بود، زیرا او با انتخاب بد، خود را از ثواب الهی که مرتبه‌ای بس بالاتر از عوض است، محروم کرده است، چنان که او می‌تواند با انتخاب نامناسب، خود را از سایر ثواب‌های الهی محروم کند؛ برای مثال، نماز نخواند یا زکات ندهد و یا روزه نگیرد؛ و در صورتی که المّوارد شده بر غیر مکلفان باشد، اگر آن المّ در حق خود آن‌ها لطف باشد، در این صورت باز جبران بیرونی ضرورتی ندارد و لطف به تنهایی هم‌عبث نبودن فعل الهی وهم ستم نبودن آن را توجیه می‌کند، ولی اگر المّوارد شده بر آن‌ها لطف نباشد و یا لطف آن نوعی باشد، در این صورت قول یاد شده درست است، زیرا این افراد بنا بر فرض، دارای خرد و تعقل نیستند تا در سایه آن با انتخاب صحیح، خود را در معرض ثواب الهی قرار دهند.

نظریه جدید: شرط لازم بودن مصلحت در نیکویی تمام آلام ابتدایی و شرط کافی بودن آن در برخی به نظر نگارنده، از بررسی و نقد اقوال مذکور، قول پنجم استنباط می‌گردد که بر اساس آن می‌توان گفت: میان آلام ابتدایی و عناوین مصلحت، لطف و اعتبار در ارتباط با نیکویی آلام ابتدایی، رابطه‌ای ضروری است، بدین معنا که همیشه آلام ابتدایی همراه با مصلحت است و دلیل این ضرورت، عبث نبودن فعل الهی است؛ اگرچه این مصلحت برای دیگری و یا مصلحت آن نوعی باشد؛ مانند آلام وارد شده بر کودکان و دیوانگان که مکلفان می‌توانند به واسطه آن عبرت بگیرند. بنابر این می‌توان گفت: اگر مصلحت در المّ ابتدایی، برای خود متألّم باشد آن مصلحت شرط کافی، برای نیکویی المّ ابتدایی است و این مصلحت درباره مکلفان همیشه صادق است، زیرا هر مکلفی می‌تواند با صبر بر آلام، خود را در معرض ثواب قرار دهد، ولی اگر مصلحت آن نوعی باشد و یا مصلحت آن در حق دیگری باشد، به علت عدالت خداوند، نیکویی آلام ابتدایی

مشروط به جبران خداوند است. و در این صورت اگرچه مصلحت، شرط لازم برای نیکویی آن است، ولی شرط کافی نیست و این امر مخصوص غیرمکلفان است آن هم با این فرض که الم برای غیر مکلفان مصلحت نداشته باشد.

### نتیجه گیری

۱. عناوین «مصلحت»، «لطف» و «اعتبار» در کلام متکلمان اسلامی در ارتباط با نیکویی آلام ابتدایی، عناوینی کلی هستند که وجه مشترک تمامی معانی یادشده، کلی بودن آن است. گفتنی است، دو عنوان لطف و اعتبار می‌توانند در تحت عنوان کلی‌تر مصلحت قرار گیرند و آنچه در آیات و روایات آمده، بیشتر مصادیق مصلحت است.

۲. از میان قول‌های دوم و چهارم از اقوال مطرح‌شده درباره نقش مصلحت، لطف و اعتبار در نیکویی آلام ابتدایی، قول تازه و میانه‌ای به وجود می‌آید که بر اساس آن اگر مصلحت در الم ابتدایی، برای خود متألم باشد آن مصلحت شرط کافی، برای نیکویی الم ابتدایی است و این مصلحت درباره مکلفان همیشه صادق است، زیرا هر مکلفی می‌تواند با صبر بر آلام، خود را در معرض ثواب قرار دهد، ولی اگر مصلحت آن نوعی باشد و یا مصلحت آن در حق دیگری باشد، از آن جا که خداوند عادل است، نیکویی الم ابتدایی مشروط به جبران خداوند است. و در این صورت اگرچه مصلحت، شرط لازم برای نیکویی آن است، ولی شرط کافی نیست و این امر مخصوص غیرمکلفان است.

### منابع

۱. قرآن مجید.
۲. امام علی علیه السلام، گردآورنده سیدرضی، محمدبن‌الحسن، (۱۴۱۴ق) نهج‌البلاغه، تصحیح، صبحی صالح، قم، دارالهجره.
۳. ابواسحاق، ابراهیم‌بن‌نوبخت، (۱۴۱۳ق)، الباقوت فی علم الکلام، تحقیق: علی‌اکبر ضیائی، قم، کتابخانه آیه‌الله مرعشی‌نجفی.
۴. اسدآبادی، القاضی ابی‌الحسن عبدالجبار، (بی‌تا)، المجموع فی المحيط با التکلیف، تصحیح: الاب جین یوسف هو بن الیسوعی، بیروت، المطبعة الکاثولیکه.
۵. \_\_\_\_\_ (۱۳۸۲ق)، المعنی فی ابواب التوحید والعدل (اللطف)، راجعه: دکتور ابراهیم مدکور، حقه: دکتور ابوالعلا عقیفی، اشراف: دکتور طه حسین، قاهره، الدار المصریه.

۶. \_\_\_\_\_ (۱۴۰۸ق)، شرح الاصول الخمسه، تعلیق: احمد بن حسین ابی‌هاشم، قاهره، مکتبه وهبه.
۷. ایچی، میر سید شریف، (۱۳۲۵ق)، شرح المواقف، تصحیح: بدرالدین نعلانی، قم، الشریف الرضی.
۸. تفتازانی، سعدالدین، (۱۴۰۹ق)، شرح المقاصد، مقدمه، تحقیق و تعلیق: دکتر عبدالرحمن عمیره، قم، شریف رضی.
۹. حر عاملی، محمد بن حسن، (۱۴۰۹ق)، وسائل الشیعة، قم، مؤسسه آل‌البتیة علیها السلام.
۱۰. حلبی، ابوالصلاح، (۱۴۰۴ق)، تقریب المعارف، قم، الهادی علیها السلام.
۱۱. حلی، حسن بن الحسن بن یوسف بن المطهر، (۱۹۸۲)، نهج‌الحق و کشف‌الصدق، بیروت، دارالکتاب اللبنانی.
۱۲. \_\_\_\_\_ (۱۴۱۳ق)، کشف المراد، قم، مؤسسه النشر الاسلامی.
۱۳. دیلمی، حسن، (۱۴۱۲ق)، إرشاد القلوب إلى الصواب، قم، شریف رضی.
۱۴. شهرستانی، عبدالکریم، (بی‌تا)، نهاية الاقدم فی علم الکلام، حرره و صححه: الفرد جیوم، قاهره، مکتبه المتینی.
۱۵. شیخ صدوق، علی بن محمد بن بابویه، (۱۳۷۸ق)، عیون أخبار الرضا علیها السلام، تهران، جهان.
۱۶. طوسی، محمد بن الحسن، (۱۴۰۶ق)، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، بیروت، دارالاضواء.
۱۷. \_\_\_\_\_ (بی‌تا)، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت، داراحیاء التراث العربی.
۱۸. طوسی، خواجه نصیرالدین، (۱۴۰۷ق)، تجرید الاعتقاد، تحقیق: حسینی جلالی، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
۱۹. سیدمرتضی، ابوالقاسم علی بن الحسن بن محمد الموسوی (علم‌الهدی)، (۱۴۱۱ق)، الذخیره فی علم الکلام، تحقیق: سیداحمد حسینی، قم، مؤسسه النشر الاسلامی.
۲۰. \_\_\_\_\_ (۱۴۰۵ق)، رسائل الشریف المرتضی، تقدیم: السیداحمد الحسینی، اعداد: السیدمهدی الرجائی، قم، دارالقرآن الکریمه.
۲۱. \_\_\_\_\_ (۱۳۷۸ق)، جمل العلم والعمل، تحقیق: رشید الصفار، النجف الاشرف، مطبعة النعمان.
۲۲. قدسی، ابن‌ابی شریف، (۱۴۲۳ق)، المسامرة شرح المسامرة فی العقائد المنجیه فی الآخرة، بیروت، دارالکتب العلمیه، الطبعة الاولى.
۲۳. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۳۶۲)، الکافی، تهران، اسلامیه.
۲۴. مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۴ق)، بحار الأنوار، بیروت، مؤسسه الوفاء.
۲۵. محقق حلی، نجم‌الدین ابوالقاسم جعفر بن الحسن بن سعید، (۱۴۲۱ق)، المسلك فی اصول الدین، تحقیق: رضا استادی، مؤسسه‌الطبع التابعه لآستانة الرضویة المقدسه.
۲۶. مرعشی، قاضی نورالله، (۱۴۰۹ق)، احقاق الحق و ازهاق الباطل، مقدمه و تعلیق: آیه‌الله مرعشی‌نجفی، قم، مکتبه آیه‌الله المرعشی‌نجفی.
۲۷. شیخ مفید، محمد بن نعمان، (۱۴۱۴ق)، تصحیح الاعتقاد، قم، کنگره شیخ مفید.

۲۸. \_\_\_\_\_، (۱۴۱۳ق)، *اوائل المقالات*، قم، المؤتمر العالمي للشيخ المفيد.
۲۹. نوری، میرزا حسین، (۱۴۰۸ق)، *مستدرک الوسائل*، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام.